

ابزارهای کالامحور؛ مسیر تازه تأمین مالی تولید

صنایع در جست‌وجوی منابع پایدار، بازار سرمایه را جایگزین مسیر سنتی بانکی می‌کنند تا چرخه تولید را بدون توقف ادامه دهند

مالی نیست، بلکه ابزاری برای افزایش چابکی تولید و کاهش ریسک‌های عملیاتی است. مزیت دیگر این ابزار، کاهش وابستگی شرکت‌ها به بانک‌ها و فشار ناشی از دریافت تسهیلات است. بنگاه‌هایی که با محدودیت یا هزینه بالای وام بانکی مواجه هستند، می‌توانند با هزینه کمتر منابع موردنیاز خود را تأمین کنند و از اتکای بیش از حد به وام‌های کوتاه‌مدت فاصله بگیرند. همچنین، ریسک طرف مقابل در معاملات کاهش می‌یابد، زیرا انتشار اوراق و تسویه آن تحت نظارت بورس و در بستر رسمی انجام می‌شود و این موضوع اطمینان خاطر مهمی برای بنگاه‌ها ایجاد می‌کند.

وجود گواهی سپرده کالایی در کنار اوراق سلف، امکان قیمت‌گذاری شفاف‌تر را فراهم می‌کند. کالاها در بستر بورس ارزش‌گذاری شده و این فرآیند مستمر، استاندارد و مبتنی بر مکانیزم بازار است. بنابراین، جریان کالا و پول به‌صورت دقیق ردیابی می‌شود و برای حساب‌رسان، سرمایه‌گذاران و نهادهای ناظر مزیت قابل توجهی دارد. از منظر توسعه بازارهای مالی، این ابزار می‌تواند به تعمیق بازار کالایی کمک کند و زمینه طراحی ابزارهای جدید مانند قراردادهای مشتقه مبتنی بر گواهی سپرده یا مدل‌های ترکیبی تأمین مالی را فراهم سازد. این روند ظرفیت جذب سرمایه در بخش تولید را افزایش داده و توسعه ابزارهای نوین مالی را سرعت می‌بخشد.

کارآمدی در سطح زنجیره تولید

برای هلدینگ‌ها و شرکت‌هایی که در قالب یک زنجیره تولید فعالیت می‌کنند، اوراق سلف استاندارد کوتاه‌مدت امکان مدیریت دقیق‌تر نقدینگی در سطح گروه را فراهم می‌کند. تها‌ت درون گروهی مطالبات و بدهی‌ها با اتکا به اوراق قابل دادوستد، گردش مالی مجموعه‌ها را با سرعت و شفافیت بیشتری انجام می‌دهد و هزینه‌های مالی را کاهش می‌دهد. ابزارهای کالامحور، نه‌تنها مسیر جایگزینی برای تأمین مالی هستند، بلکه ابزارهایی برای کاهش ریسک‌های عملیاتی، تقویت سرمایه در گردش و ارتقای توان برنامه‌ریزی شرکت‌های تولیدی به شمار می‌آیند. با اتکا به این ابزارها، بنگاه‌ها قادر خواهند بود در دوره‌های کمبود نقدینگی نیز فعالیت‌های تولیدی خود را بدون وقفه ادامه دهند و برنامه‌های توسعه‌ای را به صورت مستمر اجرا کنند.

همچنین، استفاده از ابزارهای نوین مالی موجب شفافیت بیشتر در زنجیره‌های تولیدی می‌شود. با امکان رهگیری دقیق کالا و پول، مدیران و حساب‌رسان می‌توانند عملکرد مالی بنگاه‌ها را بهتر ارزیابی کنند و سرمایه‌گذاران از ریسک‌های پنهان آگاه شوند. این شفافیت، اعتماد میان بازیگران بازار را افزایش داده و به ثبات بیشتر اقتصاد واقعی کمک می‌کند. در نتیجه، تجربه بنگاه‌ها نشان می‌دهد که استفاده از ابزارهای نوین مالی کالامحور، مسیر تازه‌ای برای مدیریت نقدینگی و تأمین سرمایه در گردش ایجاد کرده است. این ابزارها، ترکیبی از سرعت، شفافیت و کاهش هزینه را در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌دهند و امکان ادامه فعالیت و توسعه اقتصادی را حتی در شرایط کمبود نقدینگی فراهم می‌کنند.

به بیان دیگر، بازار سرمایه و ابزارهای مبتنی بر کالا، جایگزینی منطقی و عملی برای مسیرهای سنتی بانکی هستند. راهکاری که نه‌تنها نیازهای مالی فوری صنایع را پوشش می‌دهد، بلکه باعث افزایش شفافیت، کاهش ریسک‌های عملیاتی و ارتقای توان برنامه‌ریزی تولید می‌شود و زمینه‌ساز توسعه پایدار در بخش اقتصاد خواهد بود.



حمیدرضاییاتی‌نیاکاشانی

روزنامه نگار

مالی برای واحدهای تولیدی طولانی‌تر و پرریسک‌تر از گذشته شود. در چنین فضایی، حتی بنگاه‌هایی که ظرفیت تولید مناسب دارند نیز با خطر کاهش فعالیت مواجه می‌شوند، زیرا نبود نقدینگی کافی مانع خرید مواد اولیه، اجرای طرح‌های توسعه‌ای یا حتی حفظ چرخه جاری عملیاتی می‌شود.

در همین راستا، اوراق سلف استاندارد کوتاه‌مدت با تحویل گواهی سپرده کالایی به‌عنوان جدیدترین ابزار تأمین مالی در بازار سرمایه مطرح شده است. مدیر بازار مشتقه و ابزارهای نوین بورس کالا در گفت‌وگو با «آتی‌ه‌نو» این ابزار را راهکاری کارآمد برای رفع مشکلات نقدینگی و افزایش شفافیت در زنجیره تولید معرفی کرد. رحمان آراسته توضیح داد که کل مراحل از زمان ارائه درخواست تا انتشار اوراق، حداکثر طی ۱۴ روز کاری انجام می‌شود و بنگاه‌ها قادر خواهند بود در بازه ۱۵ روز تا شش ماه، تأمین مالی موردنیاز خود را برنامه‌ریزی کنند.

آراسته تأکید کرد که بسیاری از شرکت‌های تولیدی که امکان بازپرداخت نقدی فوری ندارند، می‌توانند از این ابزار بهره ببرند. وی افزود: «استفاده از گواهی سپرده کالایی در کنار اوراق سلف، به بنگاه‌ها اجازه می‌دهد بدهی‌ها و مطالبات خود را به‌صورت تها‌ت و در چارچوبی شفاف و قابل رهگیری مدیریت کنند و روابط مالی میان شرکت‌های هم‌گروه یا فعال در یک زنجیره تولید سامان یابد.». وی با اشاره به اینکه ترکیب این دو ابزار سرعت وصول مطالبات را افزایش می‌دهد، اضافه کرد که این ابزار امکان تبدیل سریع کالا به نقدینگی را نیز فراهم می‌کند. آثار این تحول تنها محدود به سرعت تأمین مالی نیست؛ کاهش هزینه‌های مبادلات، بهبود شفافیت مالی و کمک به کنترل فشارهای تورمی در بازه میان مدت نیز از دیگر دستاوردهای آن خواهد بود.

به گفته آراسته، صنایع معدنی، پتروشیمی و دیگر بخش‌های تولیدی، می‌توانند از این ابزار تحولی چشمگیر در فرآیند تأمین مالی خود بهره‌مند شوند. این رویکرد نه تنها وابستگی به بانک‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه به

اقتصاد ایران در ماه‌های اخیر با نوسان‌های شدید نقدینگی و محدودیت‌های بانکی روبه‌رو بوده است؛ وضعیتی که فشار مضاعفی بر بنگاه‌های تولیدی وارد کرده و سرعت فعالیت آن‌ها را کاهش داده است. مسیرهای سنتی تأمین مالی که عمدتاً مبتنی بر وام‌های بانکی بودند، دیگر پاسخگوی نیازهای فوری و میان‌مدت صنایع نیستند و افزایش زمان بین تولید و وصول نقدینگی، پیچیدگی‌های بیشتری برای برنامه‌ریزی تولید ایجاد کرده و بهره‌وری را تحت فشار قرار داده است. این شرایط، رنگ هشداری برای مدیران و سیاست‌گذاران است تا به جای اتکا صرف به شیوه‌های مرسوم، راهکارهای جایگزین و نوآورانه را بررسی و به کار گیرند. ابزارهای مبتنی بر کالا و سازوکارهای مالی نوین، آرام‌آرام به گزینه‌ای عملی برای تأمین سرمایه در گردش بدل شده‌اند و می‌توانند بخشی از بار تأمین مالی را از دوش نظام بانکی بردارند و مسیر تازه‌ای برای پایداری تولید ایجاد کنند.

بنگاه‌های تولیدی هم‌اکنون در فضایی فعالیت می‌کنند که نه‌تنها منابع مالی محدود شده، بلکه جریان نقدینگی با تاخیرهای طولانی روبه‌رو است. محدودیت‌های بانکی و افزایش سختگیری در ارائه وام‌ها باعث شده است بسیاری از شرکت‌ها حتی برای خرید مواد اولیه یا اجرای طرح‌های توسعه‌ای با مشکل روبه‌رو شوند. در چنین شرایطی، مدیران صنایع به دنبال ابزارهایی هستند که سرعت تأمین مالی را افزایش دهند، هزینه‌ها را کاهش دهند و جریان نقدینگی را روان‌تر کنند.

کاهش وابستگی به بانک‌ها

یکی از پیامدهای مهم شرایط کنونی، ناکارآمدی مسیرهای سنتی تأمین مالی است. بسیاری از فعالان صنعتی معتقدند اتکا صرف به وام‌های بانکی، دیگر پاسخگوی الزامات تولید در اقتصاد با نوسان‌های شدید و محدودیت‌های اعتباری نیست. کاهش توان وام‌دهی بانک‌ها، سخت‌تر شدن شرایط وثیقه‌گذاری و افزایش هزینه تسهیلات باعث شده مسیر دریافت منابع

رکورد تاریخی ارزش بازار سهام

بازار سرمایه ایران در آستانه عبور از مرز ۱۲ هزار همت قرار گرفته و با رشد چشمگیر شرکت‌های بزرگ، توجه سرمایه‌گذاران داخلی و نهادهای را دوپاره جلب کرده است

بازار سرمایه ایران در آستانه ثبت رکورد تازه‌ای قرار گرفته و ارزش کل سهام با عبور از مرز ۱۲ هزار همت، به نزدیک‌ترین حد خود در یک سال گذشته رسیده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بازار با کاهش یا رفع برخی ابهامات و ریسک‌ها، در حال جبران عقب‌ماندگی نسبت به سایر بازارهاست و سرمایه‌گذاران با امید به ثبات سیاست‌های اقتصادی، دوباره توجه خود را به بورس معطوف کرده‌اند.

شرکت‌های برتر بازار سرمایه

رتبه‌بندی ۱۰ شرکت برتر از نظر ارزش بازار حاکی از آن است که شرکت ملی صنایع مس ایران (فملی) با رشد ۸۶ درصدی در یک سال اخیر، به مرز هزار همت رسیده و جایگاه نخست را به خود اختصاص داده است. سهام این شرکت در ۱۲۴ روز معاملاتی مثبت معامله شده و ارزش بازار

۸.۴ میلیارد دلاری آن نشان‌دهنده جذابیت سرمایه‌گذاری در این شرکت است. در جایگاه دوم، شرکت پتروشیمی خلیج فارس (فارس) با رشد ۶۰ درصدی به ارزش بازار ۹۶۰ همت رسیده و طی ۱۳۵ روز معاملاتی مثبت، عملکردی درخشان از خود ثبت کرده است. فولاد مبارکه اصفهان با افت ۱۰ درصدی ارزش بازار به ۴۸۷ همت، سومین شرکت بزرگ بازار است، در حالی که سهام آن در ۱۲۱ روز معاملاتی مثبت معامله شده است. هلدینگ سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) نیز با افزایش ۱۴ درصدی ارزش بازار به حدود ۲۳۰ همت، در جایگاه نهم قرار گرفته و نقش خود را در سید سرمایه‌گذاران برجسته کرده است.

پیش‌نیازهای تداوم رشد

کارشناسان بازار تأکید دارند که ادامه روند صعودی نیازمند حفظ ثبات

سیاست‌های اقتصادی، شفافیت اطلاعات شرکت‌ها و کاهش ریسک‌های سیستماتیک است. بهبود جریان اطلاع‌رسانی و تقویت نظارت بر بازار می‌تواند نقش مهمی در تثبیت رشد ارزش سهام ایفا کند. داده‌های اخیر نشان می‌دهد بازار سرمایه ایران در مسیر تعادلی جدید قرار گرفته و شرکت‌های بزرگ با رشد ارزش بازار و افزایش حجم معاملات، بار دیگر توجه سرمایه‌گذاران داخلی و نهادهای را جلب کرده‌اند. تحلیل‌ها همچنین نشان می‌دهد روند صعودی ارزش ریالی بازار همزمان با فاصله دلاری ۳۴ درصدی نسبت به سقف تاریخی یک سال گذشته، فرصتی برای سرمایه‌گذاران فراهم کرده تا با مدیریت ریسک و انتخاب هوشمندانه سهام، از پتانسیل رشد بازار بهره‌مند شوند. در مجموع، بازار سهام ایران در حال حرکت به سمت دوره‌ای است که در آن ثبات اقتصادی و نظارت دقیق، نقش کلیدی در جذب سرمایه و تقویت اعتماد فعالان بازار خواهد داشت.

یادداشت

O P I N I O N



مرتضی افقه

اقتصادان

کسری بودجه در افق ۱۴۰۵

با آغاز فصل تدوین بودجه، نشانه‌ها حاکی از آن است که در صورت ادامه رویه‌های پیشین، کسری بودجه سال آینده قطعی خواهد بود. طی سال‌های اخیر سه منبع اصلی تأمین هزینه‌های دولت شامل فروش نفت، درآمدهای مالیاتی و انتشار اوراق مالی بیشترین نقش را ایفا کرده‌اند، اما ظرفیت هر سه تقریباً به سقف رسیده و امکان اتکای بیشتر به آن‌ها وجود ندارد. تحریم‌های خارجی نیز امکان استقراض و استفاده از فاینانس بین‌المللی را محدود کرده و استقراض از بانک مرکزی به دلیل آثار تورمی گسترده، آخرین راهکار اضطراری تلقی می‌شود. در این شرایط، دولت ناگزیر به بازنگری فوری در ساختار بودجه و نظام مالیاتی است. بخش مهمی از درآمدهای بودجه به وضعیت روابط خارجی کشور گره خورده و بدون اصلاح این حوزه، تدوین بودجه‌ای واقع‌بینانه ممکن نیست. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد دولت‌ها معمولاً برای جبران کسری بودجه به استقراض روی می‌آورند، اما منابع قایل‌الانکا در این بخش اکنون محدود شده‌اند. برداشت از صندوق توسعه ملی، واگذاری بخشی از اموال دولتی و انتشار گسترده اوراق بدهی ظرفیت استقراض را کاهش داده و انگیزه سرمایه‌گذاران برای خرید اوراق را در فضای تورمی فعلی کاهش داده است. علاوه بر این، تحمیل اوراق خزانه به پیمانکاران، هزینه‌های پروژه‌ها را افزایش داده و در نهایت بار آن به مردم منتقل می‌شود. سه شرط اصلی برای رفع تازاری بودجه شامل اصلاح ساختار بودجه، بازنگری جدی در نظام مالیاتی و توسعه روابط و تجارت خارجی است.

با توجه به محدودیت منابع صندوق توسعه ملی و واگذاری دارایی‌های دولتی در سال‌های گذشته، ابزارهای قابل اتکای مالی محدود شده و آخرین راه نیز استقراض از بانک مرکزی است که تنها در وضعیت اضطراری قابل توجیه است. بنابراین، اولویت نخست دولت در بودجه ۱۴۰۵ کاهش جدی هزینه‌هاست. حذف هزینه‌های غیرضروری و تمرکز منابع بر طرح‌های عمرانی و اقتصادی قابل بازده، به‌ویژه پروژه‌هایی که امکان بازگشت سرمایه کوتاه‌مدت دارند، ضروری است. پروژه‌های نیمه‌تمام که تحت فشارهای سیاسی یا منطقه‌ای شکل گرفته‌اند، نیازمندی بازبینی و اولویت‌بندی دقیق هستند. در بخش درآمدی، مالیات‌ستانی از ابرثروتمندان و حذف معافیت‌های مالیاتی غیرضروری از بنگاه‌ها و نهادهای اقتصادی که سال‌ها از مالیات معاف بوده‌اند، اهمیت دارد. نرخ تورم نزدیک به ۵۰ درصد باعث شده بودجه به سمت انبساطی شدن حرکت کند، در حالی که اقتصاد با رکود تورمی مواجه است و هر دو سیاست انبساطی و انقباضی چالش‌زا هستند. به نظر می‌رسد دولت ناچار باشد بودجه سال آینده را با درجه‌ای از انبساط تنظیم کند. واقع‌بینی در بودجه زمانی محقق می‌شود که تغییرات اساسی در ساختارهای اداری، مدیریتی و سیاستی کشور صورت گیرد؛ تغییراتی که در صورت تداوم ساختارهای ناکارآمد، دور از دسترس خواهد بود. تا زمانی که مسئله تحریم‌ها حل نشود، صادرات نفت به روال عادی بازنگردد، روابط مالی و تجاری احیا نشود و تکلیف FATF روشن نگردد، خطر بروز بحران جدی اقتصادی همچنان وجود خواهد داشت.